

یادی از

دکتر محمدتقی مسعودیه



دکتر مسعودیه

اساره

محمدتقی مسعودیه (فروردین ۱۳۰۶ - بهمن ۱۳۷۷) انوموزیکولوگ و دانشمندی برجسته و برکار بود که رسدی انوموزیکولوژی را برای نخستین بار به صورت تخصصی در دانشگاه تهران مطرح کرد و جامعی موسیقی را با آن آشنا نمود سادروان مسعودیه در عمر روز دوسبیه دوازدهم بهمن ماه ۱۳۷۷ هنگامی که مشغول کار بود. به علت ایست قلبی دیده از جهان فروست و در بهسبزه‌های تهران در قطعه‌ی هنرمندان به خاک سپرده شد

مقاله‌ی حاضر را جواهر او نوشته است

برای تحقیق و تدریس به ایران بازگشت. در دی‌ماه سال ۱۳۳۸ ابتدا به‌عنوان استادیار پیمانی در گروه آموزش موسیقی دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول به کار شد و پس از طی مراحل رسمی آزمایشی و رسمی قطعی در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳، در تیرماه ۱۳۵۳ به سمت دانشیاری و سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ به سمت استاد رسمی قطعی تمام وقت ارتقا یافت و تا آخرین روز عمر پرثمرش با همین عنوان عضو هیات علمی بود و به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. محمدتقی مسعودیه که در آثارش از عنوان «دکتر» استفاده نمی‌کرد و به «محمدتقی مسعودیه» بسنده می‌کرد و آن را دوست‌تر می‌داشت مشتاقانه به تحقیق و پژوهش در حوزه‌ی موسیقی نواحی ایران و موسیقی دستگاهی ایران پرداخت و هیچ‌گاه رابطه‌ی حرفه‌یی و عاطفی‌اش را با بستر و زمینه‌ی تحقیقی‌اش که همان فرهنگ و هنر توده‌ها و رامشیان اقالب ایران زمین بود قطع نکرد. دکتر مسعودیه کتاب‌ها و مقالات متعددی را به زبان‌های فارسی، آلمانی، فرانسوی و انگلیسی منتشر کرد و به آهنگ‌سازی قطعات مختلفی پرداخته در برخی از دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس کرد و به ارائه‌ی مقاله در کنفرانس‌های بین‌المللی پرداخت.

دریافت دانشنامه‌ی لیسانس هارمونی شد. آن‌گاه با استفاده از بورس تحصیلی اتحادیه‌ی بین‌المللی دانشجویان ایرانی، برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی آهنگ‌سازی و در مدرسه‌ی عالی موسیقی لایپزیک به آلمان رفت. در شهریورماه ۱۳۳۷ (سپتامبر ۱۹۵۸) شروع به تحصیل نزد ائمار گرشتر Grester Ottmar و یوهانس وپروخ Weryrauch Johannes در مدرسه‌ی عالی موسیقی لایپزیک کرد و در تیرماه ۱۳۳۲ (جولای ۱۹۶۳) دانش‌نامه‌ی لیسانس آهنگ‌سازی را دریافت نمود. سپس به شهر کلن رفت تا در دانشگاه آن شهر به تحصیل موزیکولوژی و انوموزیکولوژی بپردازد. در فروردین ماه ۱۳۳۳ (آوریل ۱۹۶۳) وارد دانشگاه کلن شد و موزیکولوژی را نزد کارل گوستاو Felleror و Karl Gustave و انوموزیکولوژی را نزد ماریوس اشنیدر Marius Schneider فراگرفت و با تصویب پایان‌نامه‌اش در اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ (مه ۱۹۶۸) موفق به اخذ دانشنامه‌ی دکترای تخصصی Ph.D. موزیکولوژی شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی دکترای وی که درباره‌ی آوانویسی آواز شور و تجزیه و تحلیل آن است در همان سال ۱۹۶۸ در دو جلد در آلمان منتشر شد.

دکتر مسعودیه پس از پایان تحصیلات

محمدتقی مسعودیه در فروردین ۱۳۰۶ در مشهد متولد شد. او دوره‌ی ابتدایی را از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۹ در دبستان علمیه‌ی مشهد گذراند. از مهرماه ۱۳۱۹ برای طی دوره‌ی متوسطه وارد دبیرستان شاه‌رضای مشهد شد و توانست در خردادماه ۱۳۲۴ دیپلم علمی سال پنجم متوسطه را از آن دبیرستان اخذ نماید. پس از آن به تهران آمد و در خردادماه ۱۳۲۵ دیپلم ادبی سال ششم متوسطه را از دبیرستان دارالفنون تهران دریافت کرد.

مسعودیه از تابستان سال ۱۳۲۲ شروع به فراگیری ویلون و موسیقی ایرانی کرد. او تحصیلات دوره‌ی عالی را از مهرماه ۱۳۲۶ در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران پی گرفت و هم‌زمان در هنرستان عالی موسیقی تهران، به تحصیل موسیقی پرداخت و در شهریورماه ۱۳۲۹ دانشنامه‌ی لیسانس حقوق قضایی و دیپلم عالی موسیقی را اخذ کرد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل هازم پاریس شد و از اواسط سال ۱۳۳۱ (اکتبر ۱۹۵۲) در مدرسه‌ی عالی موسیقی پاریس de paris Ecole Normale de Musique به فراگیری ویلون نزد لین تالوئل Line Taluel کنتربون نزد نوئل گالان Noel Gallant و هارمونی نزد ژرژ داندلو George Dandelot پرداخت و در تابستان سال ۱۳۳۵ (جولای ۱۹۵۶) موفق به

از میان کتاب‌های او که به زبان فارسی منتشر شده است، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- دکتر محمدتقی مسعودیه، تجزیه و تحلیل چهارده ترانه‌ی محلی ایران، از انتشارات اداره‌ی گل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران، آبان‌ماه ۱۳۵۳.

۲- یوزف کوکوتز، محمدتقی مسعودیه، موسیقی بوشهر، سروش، انتشارات رادیو تلویزیون ملی ایران، تهران، ۱۳۵۶.

۳- محمدتقی مسعودیه، آوانویسی و تجزیه و تحلیل ردیف آوازی موسیقی سنتی ایران، گردآورنده: محمود کریمی، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۵۶.

۴- محمدتقی مسعودیه، موسیقی تربیت‌جام، سروش، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۵۹.

۵- محمدتقی مسعودیه، موسیقی بلوچستان، سروش، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۴.

۶- محمدتقی مسعودیه، مبانی اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی تطبیقی)، سروش، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۵.

۷- محمدتقی مسعودیه، موسیقی مذهبی ایران، جلد اول، موسیقی تمزیه، سروش، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۷.

۸- محمدتقی مسعودیه، ردیف آوازی موسیقی سنتی ایران به روایت محمود کریمی، کتاب اول، آوانویسی و تجزیه تحلیل، انجمن موسیقی ایران، تهران، ۱۳۷۶.

۹- محمدتقی مسعودیه، ردیف آوازی موسیقی سنتی ایران به روایت محمود کریمی، کتاب دوم، انجمن موسیقی ایران، تهران، ۱۳۷۴.

۱۰- محمدتقی مسعودیه، سازشناسی، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۷، در دست چاپ.

۱۱- محمدتقی مسعودیه، موسیقی ترکمن، موسسه‌ی فرهنگی ماهور، تهران.

۱۲- محمدتقی مسعودیه، سازهای ایران، انتشارات نگار، تهران.

۱۳- ترجمه‌ی کتاب یوزف کوکوتز، با عنوان خصوصیات ملودی در موسیقی سنتی خاورمیانه، هند و جنوب شرقی آسیا، ترجمه‌ی محمدتقی مسعودیه، سلسله انتشارات دانشکده‌ی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، نشریه‌ی شماره‌ی ۱۰۱، اسفندماه ۱۳۵۱. ■

یادی از

دکتر احمدعلی رجایی بخارایی

احمد داداشی - ساری

از استادان برتر دانشکده‌ی ادبیات فردوسی مشهد یکی زنده‌یاد دکتر احمدعلی رجایی بخارایی بود. مردی با قامتی میانین و چهره‌ی مردانه و چشمانی نافذ، بیان خوش و شورانگیز او را کم‌تر استادی داشت. هرگاه پاره‌ی از شاهنامه یا بیهقی می‌خواند و گزارش می‌داد، شنونده فردوسی و خواجه ابوالفضل را پیش چشم می‌آورد و در حال و هوای آن روزگاران درمی‌آمد...

دکتر رجایی متون نظم و نثر کهن و یگانه و نیز دشوار فارسی را با چیرگی بسیار درس می‌داد و ابهام‌ها و دوگانه‌های (ذووجهین‌های) متن را با مثال‌هایی از حافظ و معرفی مقاله‌های پژوهشی روشن می‌ساخت. به کارش سخت اعتقاد داشت. بسیار می‌خواند و می‌نوشت و به اندازه‌ی توان می‌کوشید تازه‌های پژوهش‌های ادبی را ببیند و همراه روز پیش برود. او معلمی و آموزش دانشجویان را بر مقام‌های دیگر آداری برتر می‌شمرد. پس از درگذشت دانشی‌مرد بزرگ - دکتر علی‌اکبر فیاض - هرچه مسوولان رده‌ی نخست دانشگاه کوشیدند وی را به‌عنوان جانشین آن مرحوم به ریاست دانشکده برگزینند نپذیرفت. به‌ناچار به مراد علمی او استاد بدیع‌الزمان فروزانفر متوسل شدند. فروزانفر با یادآوری این نکته که مسوولیت و سرپرستی یک مجمع علمی فروتر از تدریس نیست، توانست وی را به قبول آن مهم برانگیزد. دکتر رجایی در دوره‌ی ریاست با یکسان‌نگری و نظارت بر کارآمدی استادان و وقت‌شناسی، نظمی ویژه به دانشکده بخشید و کیفیت کار را بسیار بالا برد. تنی چند از مدرسان تنگ‌مایه و وقت‌کش را جابه‌جا کرد و حتا به کار دفتری برگماشت!

او نه تنها به تدریس استادان و یادگیری دانشجویان اهمیت می‌داد، به حرمت فضای دانشکده هم می‌اندیشید. اجازه نمی‌داد هر کسی خودسرانه به محوطه‌ی دانشکده درآید و آن‌جا را مثل باغ ملی، تفرجگاه بگیرد.

یادم نمی‌رود؛ روزی زنگ تفریح پسر پانزده‌ساله‌ی دانش آموز خود را کنار باغچه با دانشجویی در حال گفت‌وگو دید. برآشفتم و گفتم: چرا پیش از وقت و پشت سر نهادن مرحله‌های علمی و کسب شایستگی لازم به این کاخ بلند درآمده است، ورود به این‌جا مستلزم کار پیوسته و رنج طاقت‌سوز است. فرزند را مهربانانه بیرون راند و به نگهبان یادآوری کرد، دیگر چنین اشتباهی نکند و با پرسش از ما تنها دارندگان اهلیت را اجازه‌ی ورود دهد.

چون شرح زندگانی پُربار او در کتاب رجایی‌نامه آمده و این بنده هم اشاره‌هایی کوتاه در شماره‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵ مجله‌ی پاژ که به همت دکتر محمدجعفر یاحقی و محمدرضا خسروی منتشر می‌شد کرده‌ام، بازگویی آن‌ها را ملالت‌آور دانستم. آموزش خداوند بر او باد.